



ژرمن‌ها گوی سبقت را ربودند

خود گرفتار کند و می‌تواند آنها را از آن جهنم بیرون بکشد.

انگلستان: دیوانگی

پایون انگلستان را مجسمه‌هایی فراگرفته که انکار قرار بوده شبیه به اجزای معماری مانند ستون و پله و... باشند، اما شکلی غریب، مسخره و هولناک دارند؛ یک نوع مجسمه‌سازی که انتزاعی نیست، اما شکلی از معماری بیماری‌زده را به مخاطب نشان می‌دهد که جای ما را تنگ کرده است و حسی از مزاحمت ایجاد می‌کند. آثار فلیدا بارلو مجسمه‌هایی ضدزیبایی‌شناسی هستند و بیننده را تشویق می‌کنند که برداشت خودش را از مجسمه‌سازی و اثر هنری شکل دهد. نشان می‌دهد که حتی بدون زیبایی‌شناسی با این آثاری که آرامش ذهنی ما را به‌هم می‌زنند و مانند تصویرهایی هستند که در کابوس می‌بینیم باز هم می‌توانیم با اثر هنری ارتباطی عجیب برقرار کنیم. این مجسمه‌سازی که مانند عنوان اثر چیزی شبیه به دیوانگی است، با تضادها و ناهمگونی‌های بسیار، بیرون و درون پایون انگلستان را پر کرده است و نوعی کوتیک بی‌سلیقه و جس نفرین‌شدگی را از این ساختمان پخش می‌کند.

ایالات متحده آمریکا: فردا روزی دیگر است

مارک برادفورد آمریکایی در پنج کالری پایون ملی ایالات متحده، افسانه‌ها را با تاریخچه بحران‌های آمریکا درمی‌آمیزد. «فردا روزی دیگر است» داستان چندلایه‌ای است که تجربه‌های شخصی هنرمند را با تاریخ اجتماعی درهم می‌بافد. از دیدگاه هنرمند، جهان امروز بازآفرینی گذشته و جهان باستان و درواقع داستان انسان‌هاست که به روایت‌های افسانه‌ای تبدیل شده است. نقاشی‌ها و مجسمه‌های برادفورد با تاکید بر انتزاع و متریالی غریب در کنار ویدئویی قرار می‌گیرد که درباره سیاست در جهان امروز حرف‌هایی دارد. پایون آمریکا پر از مجسمه‌هایی است که انکار از درودیوار ساختمان رشد کرده‌اند و آن‌قدر فضا را پر کرده‌اند که بینندگان مجبور می‌شوند برای گذر از کنارشان راه خود را کج کنند و دور آثار بچرخند و این به خودی‌خود آثار را در تعامل با مخاطب قرار می‌دهد. درواقع آثار، بیننده را وادار به واکنش می‌کنند. این مجسمه‌ها و نقاشی‌ها همه‌جای پایون را فراگرفته‌اند، اما آنچه در اِسنِ میان خودنمایی می‌کند، توده‌ای متورم است که مانند تِیخال با زِکیلی زشت و دردناک از سقف بیرون زده و بینندگان در مقابل حجم عظیمش که استعاره‌ای از سقوط ساختار و قدرت اجتماعی است، کوچک، خرد و کم‌توان می‌شوند. این آثار اوج روند هنری برادفورد هستند که در نهایت به بازنمایی شرایط ایالات متحده رسیده‌اند، اما موضوعی که در آنها مطرح می‌شود به آمریکا محدود نیست. این آثار درباره همه کسانی حرف می‌زند که می‌خواهند در جهان پیچیده امروز ثبات و جای پای محکمی برای خود پیدا کنند.

کره جنوبی: موازنه

به‌سوی پایون کره‌جنوبی که می‌رویم، چیدمانی ساخته‌شده از نوارهای نئون روی سقف ساختمان خودنمایی می‌کنند. انکار که از دل لاس‌وکاس بیرون کشیده شده و با طراحی‌های شرقی آمیخته شده باشند. موضوع کار، زورِ برقِ زننده کاپیتالیسم جهانی‌شده است. اثر کودی جوآ، هنرمند شناخته‌شده‌کراه، بینندگان را برای آنچه داخل پایون خواهند دید آماده می‌کند. در داخل پایون هنرمندی که ۱۰ سال از جوآ کوچک‌تر است، وان لی، ویدئویی را نشان می‌دهد که در آن او برای گردآوری یک میز صبحانه کراه با متریال کراه مجبور می‌شود شمار زیادی از کشورهای خاور دور را از چین تا ویتنام بگردد. اما اثری که جان پایون است با عنوان «آقای کاف و مجموعه تاریخ کره» مطرح است. در این اثر، لی مجموعه شخصی خبرنگاری با نام آقای کاف را نشان می‌دهد که از یک بازار مکاره به قیمت ۵۰ دلار خریداری شده است. این مجموعه پر است از مدارک حکومتی و قطعات بریده‌شده روزنامه. در بخش دیگر پایون، چیدمان دیگری از لی با عنوان «زمان مناسب» دیده می‌شود. هنرمند از صدها نفر رسیده است که



فضای داخل پایون انگلستان



پایون آمریکا، عکس: getty image

برای گذاشتن یک وعده غذا روی میز چندساعت باید کار کنند. بیش از ۶۰۰ ساعت با توجه به پاسخ‌های این افراد تنظیم شده‌اند و در کنار هم با سرعت‌های گوناگون می‌چرخند. در کنار هرکدام از ساعت‌ها، نام، تاریخ تولد، ملیت و شغل آمده است.

آلمان: فاوست

آلمانی‌ها با پرفورمنسی بسیار تأثیرگذار توانستند شیر طلایی بهترین پایون ملی را مال خود کنند. آن ایموف این اثر را با طعنه‌ای به کتاب دکتر فاوست با ترکیبی از یک چیدمان شیشه‌ای و شماری بازیگر جوان برگزار کرد. پرفورمنس یک ساعت‌ونیم طول می‌کشد و روزی چندبار در ساعت‌هایی مشخص اجرا می‌شود. در آغاز پرفورمنس دو سگ دوبرمن از جایی رها می‌شوند و با سرعت به سویی می‌دوند، اما بعد بی‌هدف در اطراف پایون پرسه می‌زنند. سگ‌هایی که نماد قدرت و خطر هستند، درواقع بدون هیچ فایده‌ای، تنها و بی‌کار دور خود می‌چرخند. بازیگران هم مانند این سگ‌ها بی‌هدف و راکد هستند و پرسه می‌زنند. هنگامی که بینندگان وارد پایون می‌شوند روی یک سطح شیشه‌ای کام برمی‌دارند که از زمین بالاتر است. اگر به زیر پای خود نگاه کنند، افراد جوانی را می‌بینند که زیر شیشه‌ها زندگی می‌کنند. درست مانند حیوانات در قفس، این افراد زیر شیشه‌ها و در نقاط نامانوسی از پایون پرسه می‌زنند، بدون اینکه با هم ارتباطی داشته باشند یا حسی از همدردی میانشان باشد. درست مانند جانوران در قفس بی‌هدف و تنها در گوشه‌هایی عجیب از این قفس کُز می‌کنند تا شاید لحظه‌ای حس درنیدودن را فراموش کنند. گاه یکی از آنها آواز محزون می‌خواند که حس تنهایی و رکود را در دل بینندگان دوچندان می‌کند. نکته مهم این است که این جوانان هرجا که می‌روند باز هم دیده می‌شوند؛ اشاره‌ای به جهان امروز ما که شبکه‌های اجتماعی کنترل امنیتی و فضای ظاهر باز، نکبت و تنهایی ما را برای همه آشکار کرده است. این جوانان بی‌قرار و ناآرام اما بی‌هدف هستند. انکار قرن‌هاست که درانتظار چیزی نشسته‌اند. حتی هنگامی که چند نفر از آنها رها می‌شوند و به بیرون از پایون می‌روند باز هم مانند سگ‌ها بی‌هدف پرسه می‌زنند. انکار نمی‌دانند با این آزادی چه کار باید بکنند. آن ایموف هنگام گرفتن جایزه اشاره کرد که هدفش از نشان‌دادن تنهایی و برزخ این جوانان، نشان‌دادن وضعیت اقلیت‌ها در جوامع است و ابراز امیدواری کرد که شاید این اثر باعث شود که پیداری‌ای در بیننده در مقابل اقلیت‌ها صورت بگیرد. از دیگر آثاری که در بخش نمایشگاه مورد توجه قرار گرفت، اثر «پروژه وصله‌زنی» از لومینگ وی، هنرمند تایوانی ساکن نیویورک، بود که درحالی‌که با بازدیدکنندگان حرف‌های عادی می‌زد، لباس‌هایشان را با پن‌های رنگی که از قرقره‌هایی نصب‌شده روی دیوار می‌آمذند وصله می‌زد و پس از آن نخ‌ها را از لباس‌ها جدا نمی‌کرد. پس از چندساعت صدها نخ رنگی از دیوار به میز کشیده شدند که نمادی است از آنچه هنر توانایی ایجادش را دارد: ارتباط میان انسان‌ها. «کفش‌های ونسان» نیز با اشاره‌ای به تابلو کشش‌های ونگوگ از آثاری بود که مورد ستایش قرار گرفت. این اثر چیدمانی بود از کفش‌هایی که از درونشان گیاه روییده بود. میشل بلازی، آفریننده این اثر، چیدمان جالب دیگری هم داشت: عکس‌هایی که از بالا رویشان آب می‌ریخت و به‌آرامی پوسیده و موج می‌شدند. انکار که کاغذ در تماس با آب به یاد روزگار چوب‌بودن می‌افتد. دوسالانه ونیز از عروسک‌های در حال رژه تا گیاهان روییده از کفش‌ها از آثار خوب و بیابنه‌های سیاسی، محیط‌زیستی و اجتماعی خالی نبود. منتقدانی ابراز کردند که این نوع برخورد با مسائل جهانی در دوسالانه ونیز به‌نوعی از سر بازکردن مشکلات است. انکار که هنر معاصر وظیفه دارد بیابنه‌ای در برابر مشکلات جهانی صادر کند و درست مانند سازمان‌های بین‌المللی بدون هیچ عملی تنها حرف می‌زند، اما عده‌ای هم بیداری دوسالانه و هنرمندانش را نسبت به مسائل روز جهان و مشکلات انسانی و طبیعی ستایش کردند و امیدوارانه به نقش هنر در روابط میان انسان‌ها می‌نگرند. دوسالانه ونیز تا نوامبر امسال در شهر ونیز ایتالیا ادامه خواهد داشت.



فضای داخل پایون روسیه

تجسمی

روزنه

جایزه ۵۰هزار دلاری حلیه برای خوش‌نویس ایرانی

گروه هنر؛ سومین دوره سمپوزیوم خوش‌نویسی و حلیه شریفه (متن معروف در ستایش پیامبر مکرم اسلام) با حضور رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در استانبول برگزار شد. در این دوره که غلامحسین امیرخانی به‌عنوان میهمان ویژه، علی شیرازی به‌عنوان داور از ایران حضور داشتند و هنرمندانی از عراق، مصر، سوریه، ترکیه، ایران و ... در چهار رشته نسخ، نستعلیق، ثلث و شکسته رقابت داشتند، «جواد خوران» جایزه ویژه ۵۰هزاردلاری هیئت داورى و لوح سپاس جشنواره را از رجب طیب اردوغان دریافت کرد.

رئیس‌جمهور ترکیه که جمعی از وزرای کابینه، او را در این مراسم همراهی می‌کردند، در سخنرانی‌اش ضمن تقدیر از برگزارکنندگان جشنواره خوش‌نویسی حلیه شریفه به‌ویژه آقای محمد جیی، مجموعه‌دار بزرگ ترک و طراح این سمپوزیوم جهان اسلام، خوش‌نویسی را هنری ممتاز خواند که نقشی مهم در ترویج دین مبین اسلام دارد. در این دوره مانند دوره‌های قبل خوش‌نویسان از سراسر جهان اسلام در این رویداد رقابتی حضور یافتند که جایزه نخست بخش خط نستعلیق از سوی ایران رسید؛ حبیب رمضان‌پور که جایزه ۲۰هزاردلاری را از آن خود کرد و در ادامه ۱۰خوش‌نویس دیگر از کشورمان حائز رتبه‌های برتر شدند.

در این مراسم محمد جیی، مدیر گالری آنتیک صنعت استانبول و بنیان‌گذار سمپوزیوم حلیه شریفه، روند شکل‌گیری این رویداد و اهمیت آن را یادآوری کرد. او در ادامه از استاد غلامحسین امیرخانی، استاد ارشد انجمن خوش‌نویسان ایران، به‌عنوان هنرمندی بزرگ و فیلسوفی روشنفکر یاد کرد و از ایشان درخواست کرد مقالاتی را برای نشر در مجلات تخصصی خوش‌نویسی ترکیه قلمی کند. سپس، غلامحسین امیرخانی در سخنانی اهمیت خوش‌نویسی را در عصر جهانی‌شدن جهان و فروریختن دیوارها و دوچندان قللمداد کرد و گفت: «از این رهگذر ابتکار شکل‌گیری حلیه می‌تواند موجب بهتر دیده‌شدن این خط و معنای ژرف آن شود».

او گفت: «هر انسان بار امانت الهی دارد که پس از کسب معرفت باید آن را به درستی انتقال دهد. متن حلیه شریفه سرشار از راه‌های این بار امانت است که به لطف خوش‌نویسی به ادوار مختلف به میراث رسیده است؛ حلیه دو اصل بنیادین اخلاق و تعادل در رفتار را بازتاب می‌دهد که ضرورت زندگی امروز است». او در پایان نسخه نجات‌نشر را هنر خواند و گفت: «خوش‌نویسی، هنر ناپ است؛ هنری که تنها با احساس پاک و شهود می‌توان در آن رشد کرد». در ادامه این مراسم داوران این دوره از جشنواره صوااوچ، علی طوی هر دو از ترکیه و علی شیرازی از ایران معرفی شدند و علی شیرازی در سخنانی گفت: «خوش‌نویسی، میراث فرهنگی و تمدنی تمام کشورهای اسلامی است؛ خوش‌نویسی حلقه وصل و نقطه پیوند تمام کشورهای اسلامی است که با تراز اصالت‌ها و بازوکننده زیبایی‌های ناب اسلامی است. خوش‌نویسی، اخلاق و معرفتی با خود دارد که هنر و جهان امروز به آن نیازمند است؛ بنابراین همه کشورهای اسلامی باید بکوشند این پتانسیل بزرگ را به دنیا معرفی کنند؛ ازآنجاکه ایران و ترکیه دو مهد خاص خوش‌نویسی هستند، وظیفه بزرگ‌تری به عهده ماست و سمپوزیوم حلیه به ابتکار آقای جیی گامی تأثیرگذار دراین‌باره است». شیرازی پیشنهاد داد: «در سمپوزیوم پیشین استاد امیرخانی و این جانب از ایران و سه داور هم از ترکیه بودند، در این‌دوره هم بنده و دو داور ترک این افتخار را داشتیم، من پیشنهاد می‌کنم در آینده داورانی از طیف‌های متنوع‌تر و دیگر کشورها هم حاضر باشند تا زمینه گسترش هرچه بیشتر این رویداد شکل گیرد».

شایان ذکر است آثار برندگان حلیه سوم، در کتاب نفیس ۱۵۵صفحه‌ای به چاپ رسیده است. گفتنی است جوایز نقدی هنرمند برتر ایران هم در مراسمی در تهران اهدا خواهد شد.

ادامه از صفحه ۱۰

ما تغییر نکردیم؛ اما جامعه تغییر کرد

❧ شاید این دیررسیدن به نفع شما هم شد، چون الان پخته‌ترین شکل راک را تجربه می‌کنید...

نوید: اتفاقا این بد است چون بازه تجربه‌ای‌مان کوتاه بود. دید ما فقط در مرزهای ایران نیست، می‌خواهیم بهترین و بین‌المللی باشیم. نمی‌دانم اتفاق می‌افتد یا نه ولی حداقل خواسته ما این است.

❧ جریان راک ایرانی این‌طوری است که بسیاری از خواننده‌ها پاپ را قاتلی راک کرده‌اند. اما به نظر می‌آید شما خودتان را راک ایرانی نمی‌دانید. درست است؟

بهژاد: راک یک سبک مشخص است و اینکه کلمه ایرانی پشت آن استفاده می‌کنند، صرفا به خاطر وجود شعرهای فارسی است. متأسفانه همان اوایل، آدم‌هایی از ندانستن مردم سوءاستفاده و عوام‌فریبی کردند و جریانی راه انداختند که اسمش را راک ایرانی یا راک فارسی گذاشتند. این خیلی ضربه وارد کرد. چون عده‌ای طرفدار اینها شدند و فکر کردند که بقیه دیگر هرچه می‌زنند حداقل راک نیست. این اشتباه بزرگی است. از طرف دیگر تعدادی از شنونده‌های عام به خاطر اینکه از سبک آن خواننده‌ها خوششان نیامد، کلا از موسیقی راک صرف‌نظر کردند. کاری که ما شروع کرده‌ایم چون شبیه به آن الگوها نیست، سعی می‌کنند اسم دیگری برایش پیدا کنند و جور دیگری تعبیرش کنند. این حتی روی مسئولان هم تأثیر گذاشته. می‌گویند ته راک این است که می‌شناسیم. اگر چیز دیگری کمی متفاوت باشد مجوز نمی‌گیرد همان‌طوری که در سال‌های طولانی نگرفت. بنابراین بزرگ‌ترین ضرر را همین جامعه به خودش زد.

❧ مرز تشخیص راک ایرانی با راک درست و راستین چیست؟ سهیل: اعتقاد زیادی به این مرزبندی ندارم. در ایران اگر در یک موسیقی الکتریک گیتار و بیس گیتار و درامز وجود داشته باشد به صورت اتوماتیک راک محسوب می‌شود در حالی که این‌طور نیست، چون در همه ژانرها می‌شود صدای این سازها را شنید. بیشتر نواح و حرفی که زده می‌شود، در راک با پاپ راک متفاوت است. به‌وجود آمده که گفتیم این شهرروز؛ اصلا این کلمه راک ایرانی زمانی به وجود آمد که گفتیم این موسیقی که راک نیست، گفتند خب پس راک ایرانی است. راک سبکی مشخص است که می‌تواند شاخه‌ها و ژانرهای مختلف داشته باشد. حتی تکلیف توالی آکوردهای راک روشن است. تشخیص این جزئیات را از عامه مردم انتظار نداریم اما آن آدمی که به شکل‌های مختلف خودش را در این زمینه معرفی کرده، به خاطر گرفتن مجوز، فرمان ماشینی که به سمت جلو حرکت می‌کرد را یک‌دفعه چرخانده‌اند و ماشین را برگردانده‌اند. اینکه چقدر می‌توانیم در این زمینه موجب پیشرفت شویم، دیگر با خداست.

محمد: خیلی سال پیش داستان اتفاق افتاد به این صورت که عده‌ای با این سازها آشنا بودند و می‌خواستند اولین باشند. کاری که ارائه می‌دادند اصلا راک نبود اما به عوام گفتند که کارمان راک است. از همه بدتر این بود که این موسیقی باید جایی نمایش داده می‌شد. چهره‌ای که این موسیقی باید ارائه می‌داد، جهت‌گیری داشتند و نمی‌دانم چرا موسیقی به کسرت‌های خوب مجوز داده نمی‌شد. دلیل این جهت‌گیری‌ها را واقعا نمی‌دانم اما مشکلی جایی بود که باعث شد از کارهای ضعیف استقبال شود. گوش مخاطب هم به شنیدن این کارها عادت کرد و فکر کرد اینها درست هستند. ما هم داشتیم می‌جنجیدیم که ثابت کنیم آنچه ما می‌گوییم درست است. اما از آنجایی که این سوت‌فاهم پیش می‌آید که دارید از خودتان تعریف می‌کنید، بیشتر از مقداری نتوانستیم در این زمینه کاری انجام دهیم. راک ایرانی معلوم نیست ساخته دست کیست اما خیلی عجیب است.

❧ درواقع پاپ با مایه‌های راک بوده اما ژست راکربودن در آن پررنگ‌تر بود.

شهرروز: اما اقرار است یک مایه درست وجود داشته باشد.

بهژاد: رقابت ما هیچ‌وقت عادلانه نبوده و نیست وگرنه هر موزیکی می‌تواند جایگاه خودش را داشته و وجود داشته باشد. اما خیلی قشنگ‌تر می‌شود اگر هرکسی این موقعیت را داشته باشد که کارش را ارائه کند و بعد مخاطب خودش انتخاب کند.

نوید: الان هرکسی که کمی شل بخواند و گیتارالکتریک هم داشته باشد، راک محسوب می‌شود در حالی که حتی اگر نت فاش بخواند، می‌گویند این سبک است. درست که در حالی که اینها پایه‌ای‌ترین قانون‌های موسیقی است، اما چون هیچ هیئتی نیست که اینها را از اول بررسی کند و درست و غلطش را نشان دهد، هرکسی می‌تواند بگوید این راک من است؛ اگر شما دوست ندارید، دلیل نمی‌شود بر اینکه من اشتباه می‌خوانم. نکته دیگر اینکه تا چندین سال پیش، صدای گیتارالکتریک را صدای سوزن تزریق اعتیاد می‌دانستند؛ یعنی انکار همه را به یاد فضای اعتیاد و سیاهی و بدبختی‌های جامعه می‌انداخت!

❧ مثل تیتراژ بعضی از برنامه‌های تلویزیونی که روی چنین تصاویری این موسیقی را می‌گذاشتند و این تنها جایی بود که می‌شد موسیقی راک را شنید!

نوید: دقیقا. و این یک تبلیغ منفی بود. مسئولان که می‌خواستند مجوز بدهند، همین که می‌فهمیدند گیتارالکتریک داریم، برایشان اشاره‌ای به اعتیاد و انحراف تلقی می‌شد. نقش‌های متدی پول‌دار و تلویزیون‌ها و در خانه‌شان راک گوش می‌دادند و همه اینها باعث جهت‌دهی منفی می‌شد.

❧ برای جمع‌بندی می‌شود گفت یکی از اهداف مهم گروه‌گره این است که سلیقه شنیداری مخاطب را ارتقا دهد. درست است؟ بهژاد: دقیقا. اصلا بخشی از کارکردهای این موسیقی این است که وقتی انرژی‌ای که آدم دارد در آن تخلیه می‌شود، نه ذهنش به سمت اعتیاد می‌رود و نه هزار تا کار منفی دیگر که می‌تواند انجام دهد. یعنی طرف به جای تزریق‌کردن، یک بار به کسرت‌ر راک می‌آید، لذتش را می‌برد، یک ماه هم آرامش درونی دارد! اما چیزی که جلوه داده شده برعکس این است.

❧ چند تراک اورجینال دارید؟

شهرروز: در کامپیوتر زیاد داریم ولی آنهایی که مجوز گرفته‌اند دو تا هستند.

❧ کلام فارسی هم ندارند؟

شهرروز: هر دو انگلیسی هستند اما قرار است در آلبوم به خاطر اینکه بتوانیم ارتباطمان را گسترده‌تر کنیم، می‌خواهیم سه، چهار تراک فارسی هم داشته باشیم. پایه اصلی این سبک با کلام انگلیسی است و حتی تاکیدهای موسیقی با این کلام تطبیق دارد و غیر از این مثل این است که روی موسیقی سستی ایرانی کلام انگلیسی بگذارید. اما به‌رحال ما تحقیق‌هایمان را کرده‌ایم و می‌خواهیم یک موزیک باکیفیت با کلام فارسی تولید کنیم. این کار را حتما خواهیم کرد اما باید همه چیزش دقیق و تمیز باشد تا به گوش مخاطب خوب بیاید. باید طبق استاندارد باشد نه اینکه در کار تقلب وجود داشته باشد. می‌دانم این اتفاق خواهد افتاد اما اگر دشنی نباشد، اصلا انجامش نمی‌دهیم.